

رخداد

قتل دو مامور پلیس تهران

■ ایسنا: بررسی زوایای قتل دو مامور نیروی انتظامی در دستور کار بازپرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی پایتخت قرار گرفت.
یک مامور ۲۰ساله نیروی انتظامی با هویت «محمد د» ساعت ۱۹ جمعه سوار بر موتورسیکلت به خودرو پرایدی که در حال عبور با سرعت بالا و در منطقه ورود ممنوع خیابان خواجه عبدالله انصاری بود، مشکوک شد. این مامور نیروی انتظامی با استعلام شماره پلاک خودرو متوجه سرقتی بودن خودرو پراید شد و آن را تعقیب کرد که این تعقیب و گریز منجر به برخورد خودرو پراید با موتورسیکلت در بزر گراه صیاد شیرازی و مرگ مامور پلیس شد و راننده پراید نیز از محل فرار کرد.
پس از اعلام این حادثه نه محمد شهرباری، بازپرس ویژه قتل تهران، وی در محل حادثه حاضر شد و پس از کسب اطلاعاتی از شاهدان که برخورد پراید با موتورسیکلت را عمدی عنوان کردند، دستور قضایی لازم برای شناسایی متهم این پرونده صادر شد.
همچنین در ساعت چهار بامداد دیروز کلاستر۱ ۰۶ نامجو تهران از کشف جسد نیمه جان فردی در خیابان شریعتی – سیلان اطلاع پیدا کرد که البته فرد مجروح پس از انتقال به بیمارستان فوت شد.
با اعلام این حادثه به بازپرس محمد شهرباری، وی در راس اکیبی تخصصی از کارآگاهان از صحنه وقوع جرم بازدید کرد و در تحقیقات مقدماتی مشخص شد مقتول یکی از ماموران کلاستر۱ ۱۲۸ تهران نو با هویت «حسن د» ۲۷ساله است و جسد نیمه جان او در حالی که آثار از ضربات چاقو روی بدنش بوده در خودرو پرایدبر در خیابان سیلان کشف شده است.
در این پرونده چهار نفر مظنون دستگیر شدهاند که با صدور قرار قانونی، برای کشف حقیقت در بازداشت به سر می‌برند.
تحقیقات در زمینه کشف زوایای پنهان این جنایت ادامه دارد.

پسر، پدر بیمارش را کشت

■ مهر: پسر خشمگین که پدر بیمار خود را به خاطر ناله‌هایش به قتل رسانده بود با گذشت اولیای دم به ۱۰ سال زندان محکوم شد.
راز این جنایت ۱۰ فروردین سال گذشته همزمان با شکایت همسر مقتول فاش شد. زن میانسال در شکایت خود اظهار داشت: همسرم دیشب در خواب به طرز مرموزی جان سپرد. حال احتمال می‌دهم پسرمان به نام امیر او را کشته باشد.
با این ادعا ماموران امیر را دستگیر کردند و تحت بازجویی قرار دادند. متهم در ابتدا منکر قتل پدرش شد اما در ادامه لب به اعتراف گشود و گفت پدرم تراحتی قلبی داشت و سه روز بود که درد می کشید. به خاطر اینکه پول نداشتم، نتوانستم او را به بیمارستان ببرم. شب حادثه او آه و ناله می می‌کرد، من هم عصبانی شدم و ضربهای به سرش زدم که باعث مرگش شد.
با رضایت اولیای دم محاکمه متهم از جنبه عمومی جرم در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری بر گزار شد که قضات دادگاه پس از دفاعیات متهم او را به ۱۰ سال زندان محکوم کردند.
با اعتراض امیر به حکم مجازاتش پرونده به شعبه ۷ دیوان عالی کشور ارسال شد که قضات دیوان عالی نیز حکم مجازات متهم را تایید کردند.

سرق پشت چراغ قرمز

■ شرق: مردی که پشت چراغ قرمز را رانندگار سرق می‌کرد به ۲۰ فقره کیفیابی اعتراف کرد.
چندی پیش در پی وقوع کیفیابی پشت چراغ قرمزی در منطقه نبرد ماموران دست به کار شدند و به گشت‌زنی در مناطق حرم‌خیز پرداختند تا اینکه چند روز بعد مشاهده کردند دو دختر جوان سوار بر پراید در حالی که فریاد دزد، دزد سر دادند در تعقیب پسری موتورسوار هستند. ماموران با مشاهده این وضعیت به تعقیب موتور پراوختند و موفق شدند دقایقی بعد متهم را متوقف و او را دستگیر کنند.
همچنین در بازرسی از متهم دو کیف زانه که وی دقایقی پیش آن را به سرق برده بود، کشف شد. ماموران در ادامه دریافتند این فرد همان شخصی است که پشت چراغ‌های راهنمایی و رانندگی کیف رانندگان را می‌رباید.
متهم ۸۸ساله در بازجویی‌های پلیسی گفت: «در محدوده خیابان‌های ۱۷ شهروبر، میدان شهدا و میدان خراسان کیف رانندگان را از خودروهایی که پشت چراغ قرمز توقف می کردند، می‌زدیدم و تانکون نیز بیش از ۲۰ فقره سرق کیفیابی و دو فقره سرق لوازم و محتویات خودرو انجام داده‌ام.»
بنا بر این گزارش، متهم به همراه پرونده‌ای که در این رابطه تشکیل شده برای تحقیقات تکمیلی و شناسایی سایر جرایم احتمالی به پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران انتقال یافته است.

کلاهبرداری به بهانه دریافت ویزای کار

■ پلیس‌خبر: فردی که به بهانه رایه ویزای کار در اروپا مبلغ ۲۵۰میلیون ریال از سه نفر کلاهبرداری کرده و متواری شده بود، دستگیر شد.
سرهنگ غلامعباس بلفکه، فرمانده انتظامی شاهین‌شهر و میمه با اعلام این مطلب گفت: در پی شکایت سه نفر از شهروندان از مردی ۴۴ ساله مبنی بر اینکه وی با فریب و ترینگ و به بهانه رایه ویزای کار در اروپا از آنها مبلغ ۲۵۰میلیون ریال دریافت کرده و سپس متواری شده است به بررسی موضوع پرداختند.
وی افزود: با تحقیقات گسترده‌ای که صورت گرفت سرانجام مخفیگاه متهم در یکی از شهرهای استان خوزستان شناسایی شد و ماموران او را دستگیر کردند.
سرهنگ بلفکه اظهار داشت: متهم پس از دستگیری به کلاهبرداری از شاکیان اعتراف کرد و با تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی تحویل و باقرار صادره روانه زندان شد.

■ شرق: زن جوانی که شوهرش را با ضربه کارد به قتل رساندنبود، با گذشت بدون قید و شرط پسرش از قصاص رهایی یافت.
به گزارش خبرنگار ما، این زن ۳۲ ساله متهم است پنج سال قبل شوهرش را در رباط کریم به قتل رساند. او که خود موضوع را به همسایه‌ها خبر داده بود، وقتی در جایگاه متهم ایستاد، گفت شوهرش را کشت چون او را دوست نداشت.
شفیعی نماینده دادستان در ابتدای جلسه محاکمه که دیروز بر گزار شد، در جایگاه ایستاد و خطاب به قضات شعبه ۲۱ دادگاه کیفری استان تهران گفت: ماندانا دی سال ۸۷ شوهرش رضا را با ضربه چاقو به قتل رساند. این زن دقایقی بعد از قتل، همسایه‌ها را مطلع و خود را تسلیم ماموران کرد. او در بازجویی‌ها گفته است به خاطر اختلافاتی که با همسرش داشت با او درگیر شد و وی را با ضربه چاقو کشت.

نماینده دادستان گفت: با توجه به مدارک موجود در پرونده، گفته‌های شهود و بازسازی صحنه قتل، درخواست صدور حکم قانونی دارم.
در ادامه، پسر مقتول و متهم در جایگاه حاضر شد او که حالا ۱۷ ساله است گفت: من از مادرم گذشت می‌کنم و درخواست دارم او را هرچه زودتر آزاد کنبد چراکه در این سال‌ها آوارگی‌های زیادی کشیدم و در حال حاضر هم در خانه یکی از اقوام زندگی می‌کنم.

درخواست دارم مادرم را آزاد کنید تا از من نگهداری کند.
او در مورد روز حادثه گفت: پدر و مادرم همیشه با هم درگیری داشتند و دعوا می‌کردند آن روز هم با هم دعوا کردند، پدرم با چاقو به مادرم حمله کرد و در این درگیری و در حالی که مادرم را به سمت خودش کشیدنبود، چاقو وارد شکم پدرم شد. من ندیدم این اتفاق چطور رخ داد اما فکر می‌کنم مادرم به عمد او را زد.

پسر نوجوان ادامه‌داد: چاقو در شکم پدرم گیر کرده بود و از خودش چاقو را بیرون کشید و بعد روی زمین افتاد.

در این هنگام قاضی عزیزمحمدی –رییس دادگاه– گفته‌های پسر نوجوان را در اداره آگاهی خواند و گفت: تو در مراحل اول بازجویی گفته‌ای مادرت به سمت آشپزخانه رفت، چاقو برداشت و به سمت پدرت حمله کرد تو ترسیدی و چشمانت را بستی و شاهد قتل نبودی.

حوادث

متهم به قتل در دادگاه:

شوهرم را دوست نداشتم، او را کشتم



او گفت: ۱۶ساله بودم که با رضا ازدواج کردم. او مرد خوبی بود اما همیشه با هم اختلاف داشتیم. روز حادثه هم درگیری شدیدی نداشتم. شب با هم بیرون رفتیم و شام خوردیم موقع برگشت سر موضوع کم اهمیتی با هم جروبحث کردیم. رضا خیلی عصبی شده بود و فریاد می‌زد. وقتی به خانه آمدیم تلوزیون را روشن کردم تا دیگر بحث تمام شود. فیلم مهر مادری را نشان می‌داد. وقتی فیلم تمام شد، رضا دوباره جروبحث را شروع و به

او گفت: ۱۶ساله بودم که با رضا ازدواج کردم. او مرد خوبی بود اما همیشه با هم اختلاف داشتیم. روز حادثه هم درگیری شدیدی نداشتم. شب با هم بیرون رفتیم و شام خوردیم موقع برگشت سر موضوع کم اهمیتی با هم جروبحث کردیم. رضا خیلی عصبی شده بود و فریاد می‌زد. وقتی به خانه آمدیم تلوزیون را روشن کردم تا دیگر بحث تمام شود. فیلم مهر مادری را نشان می‌داد. وقتی فیلم تمام شد، رضا دوباره جروبحث را شروع و به

متهم در دادگاه

متهم در دادگاه

متهم در دادگاه

متهم در دادگاه

متهم در دادگاه

تماس گرفتیم و از آنها درخواست کمک کردم اما به هیچ عنوان در درگیری حضور نداشتم. کارآگاهان با اطلاع از نقش همسر مقتول در دعوت برهان به میهمانی و انتقال وی به داخل منزل مقتول، به تحقیق از این زن پرداختند. او ضمن تایید اظهارات برهان، گفت: «روز پنجشنبه هفته پیش همراه تعدادی دیگر از اعضای فامیل در منزل یکی از بستگان دعوت بودیم و به همین علت از فرصت استفاده و برهان را که پیش از این با همسرم درگیر شده بود بدون اطلاع میزبان به میهمانی دعوت کردم در آنجا پس از خوردن شام، بار دیگر اختلاف میان همسرم و برهان بالا گرفت و من برای آرام کردن هر دو نفر، برهان را به منزل خودمان بردم چنددقیقه بعد حامد به خانه آمد و زمانی که متوجه حضور برهان در منزل شد بسیار عصبانی شد و با برداشتن چاقو از داخل آشپزخانه گفت می‌خواهد برهان را بکشد. چاقو را از دستش گرفتم و او را قدری آرام کردم و از وی خواستم اجازه دهدد برهان از خانه خارج شود اما او با درخواست شوهرش را آرام کند. حامد با اطلاع از موضوع، به خانه آمد و ضمن مخالفت و او را داخل اتاقی حبس و در آن را نیز قفل کرد. در همین زمان، برهان با گوشی تلفن همراه من تماس گرفت تا در

داخل اتاق حبس شده بودم، با دو نفر از دوستان به نام‌های شهرام و امید که در کارگاه سنگبری در خیابان فداییان اسلام مشغول به کار هستند و شب‌ها نیز به عنوان نگهبان در آنجا حضور دارند، تماس گرفتم و آنها نیز پس از اطلاع از موضوع برای کمک به من به اوشان آمندم و با حامد درگیر و پس از مجروح کردن او و دو نفر دیگر از محل متواری شدند.»
برهان درخصوص علت حضور خود در منزل مقتول نیز به کارآگاهان گفت: چندماه پیش بود که بر سر موضوعی شخصی با مقتول اختلافاتی پیدا کردم تااینکه طی تماس تلفنی همسر مقتول، به یک میهمانی دعوت شدم. قرار بود به بهانه حضور در میهمانی، من و حامد با یکدیگر صحبت و اختلافات قبلی خود را حل و فصل کنیم اما وقتی به آنجا رفتم حامد نسبت به حضور من در میهمانی اعتراض کرد. در همین زمان همسر مقتول مرا به خانه خودشان برد و از من خواست تا ساعتی را در یکی از اتاق‌های خانه بمانم تا او بتواند شوهرش را آرام کند. حامد با اطلاع از موضوع، به خانه آمد و ضمن اعتراض به حضور من در منزلش مرا در یکی از اتاق‌ها حبس کرد. من که بسیار ترسیده بودم، با دو نفر از دوستانم

من توهین کرد. رفت آشپزخانه و چاقو برداشت و به من حمله کرد. در این درگیری چاقو را از دستش گرفتم و به او ضربه اصل متوجه نشدم چطور این ضربه را زدم. بعد هم بیرون رفتم و از همسایه‌ها کمک خواستم. در این هنگام قاضی خطاب به متهم گفت: همسایه‌ها در تحقیقات گفته‌اند شوهرت مرد خوبی بود و خیلی به تو کمک می‌کرد، حتی گفته‌اند وقتی از سر کار به خانه می‌آمد کارهای خانه را انجام می‌داد، غذا درست می‌کرد و منتظر تو می‌شد، چرا او را کشتی؟

متهم جواب داد: بله این حرف‌ها درست است. اگر من نمی‌توانستم در برابر شوهرم گذشت داشته باشم، شاید به این خاطر بود که هیچ‌وقت دوستش نداشتم. برای جدایی هم اقدام کرده‌بودم اما شوهرم مخالف بود. آن شب وقتی با هم مشاجره کردیم من وسایلم را جمع کردم که به خانه پدرم بروم همسرم مانع شد و گفت: حق نداری جایی بروی. رفتم پرورده‌ای که در آن دادخواست طلاق داده‌بودم برداشتم. تصمیم خودم را گرفته بودم شاید به این خاطر بود که هیچ‌وقت دوستش نداشتم. برای جدایی هم اقدام کرده‌بودم اما شوهرم مخالف بود. آن شب وقتی با هم مشاجره کردیم من وسایلم را جمع کردم که به خانه پدرم بروم همسرم مانع شد و گفت: حق نداری جایی بروی. رفتم پرورده‌ای که در آن دادخواست طلاق داده‌بودم برداشتم. تصمیم خودم را گرفته بودم شاید به این خاطر بود که هیچ‌وقت دوستش نداشتم. برای جدایی هم اقدام کرده‌بودم اما شوهرم مخالف بود. آن شب وقتی با هم مشاجره کردیم من وسایلم را جمع کردم که به خانه پدرم بروم همسرم مانع شد و گفت: حق نداری جایی بروی. رفتم پرورده‌ای که در آن دادخواست طلاق داده‌بودم برداشتم. تصمیم خودم را گرفته بودم شاید به این خاطر بود که هیچ‌وقت دوستش نداشتم. اگر من نمی‌شد، این قتل اتفاق نمی‌افتاد. بعد از پایان جلسه محاکمه، هیات قضات شعبه ۲۱ برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

وی گفت بی دلیل به او سوءظن دارم و وی هیچ کار خلافی انجام نمی‌دهد. با این وجود هرگز حاضر نبود مطابق میلم رفتار کند تا اینکه شب حادثه بعد از اینکه برادرم خوابید باز هم سر همان مسایلی قدیمی با هم جر و بحث کردیم و من با دستم گلولی مونا را فشار دادم و او خفه شد. بعد از آن با کمک برادرم که از خواب بیدار شده بود جسد را جابه‌جا کردیم و هر دو نفر پا به فرار گذاشتیم.»

شهاب بعد از محاکمه در شعبه ۲۱ دادگاه کیفری استان تهران به قصاص محکوم شد و رای به تایید دیوان‌عالی کشور نیز رسید. بعد از آن متهم تلاشش را به کار گرفت تا رضایت اولیای دم را جلب کند. این کوشش‌ها بالاخره نتیجه داد و چهارشنبه هفته پیش والدین مونا با مراجعه به دادرسی جنایی اعلام کردند به احترام شهاب‌های قدر از خونخواهی گذشت می‌کنند. به این ترتیب مرد اعدامی بار دیگر به زندگی باز گشت.

اتاق را برای او باز کنیم اما شوهرم همچنان اصرار داشت او را رها نمی‌کند.» ماموران با توجه به اعترافات برهان درخصوص تماس وی با دو نفر از دوستانش ضمن شناسایی محل کار آنها در کارگاه سنگبری ساعت یک بامداد دیروز این محل را تحت محاصره درآوردند و در حالی‌که شهرام (۲۱ ساله) و امید (۳۲ ساله) پس از اطلاع از حضور پلیس در محل قصد درگیری و فرار از محل را داشتند، هر دو نفر آنها را با شلیک شش تیر هوایی دستگیر کردند و به پلیس آگاهی انتقال دادند. شهرام در بازجویی‌ها به درگیری خود با مقتول اعتراف کرد و گفت: «حدود ساعت دو بامداد بود که برهان با امید تماس گرفت و گفت او را گروگان گرفته‌اند او از امید خواست تا هرچه سریع‌تر خودش را به منطقه اوشان برساند. امید نیز موضوع را با من در میان گذاشت و هر دو نفر با آژانس، خود را به آدرسی که برهان داده بود، رساندیم. زمانی که به محل رسیدیم حامد همراه چند نفر دیگر مقابل در یک ویلا ایستاده بود. با معرفی خود به عنوان دوستان برهان قصد صحبت کردن با آنها را داشتم.بعد که با لحن توهین آمیزی، به ما جواب دادند. در همین زمان، امید با دو نفر از آنها درگیر شد و من نیز با مقتول درگیر شدم و با چاقو دو ضربه به پهلوی و شکم مقتول و چندضربه نیز به دو نفر دیگر زدم. وقتی حامد روی زمین افتاد ما نیز به سرعت از محل متواری شدیم. سرهنگ آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران، با تایید این خبر گفت: «با توجه به اعترافات اولیه متهمان درخصوص ارتکاب جنایت، به دستور مقام قضایی قرار بازداشت موقت برای همسر مقتول و سه متهم دیگر پرونده صادر شده است و متهمان برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته‌اند.»

اتاق را برای او باز کنیم اما شوهرم همچنان اصرار داشت او را رها نمی‌کند.» ماموران با توجه به اعترافات برهان درخصوص تماس وی با دو نفر از دوستانش ضمن شناسایی محل کار آنها در کارگاه سنگبری ساعت یک بامداد دیروز این محل را تحت محاصره درآوردند و در حالی‌که شهرام (۲۱ ساله) و امید (۳۲ ساله) پس از اطلاع از حضور پلیس در محل قصد درگیری و فرار از محل را داشتند، هر دو نفر آنها را با شلیک شش تیر هوایی دستگیر کردند و به پلیس آگاهی انتقال دادند. شهرام در بازجویی‌ها به درگیری خود با مقتول اعتراف کرد و گفت: «حدود ساعت دو بامداد بود که برهان با امید تماس گرفت و گفت او را گروگان گرفته‌اند او از امید خواست تا هرچه سریع‌تر خودش را به منطقه اوشان برساند. امید نیز موضوع را با من در میان گذاشت و هر دو نفر با آژانس، خود را به آدرسی که برهان داده بود، رساندیم. زمانی که به محل رسیدیم حامد همراه چند نفر دیگر مقابل در یک ویلا ایستاده بود. با معرفی خود به عنوان دوستان برهان قصد صحبت کردن با آنها را داشتم.بعد که با لحن توهین آمیزی، به ما جواب دادند. در همین زمان، امید با دو نفر از آنها درگیر شد و من نیز با مقتول درگیر شدم و با چاقو دو ضربه به پهلوی و شکم مقتول و چندضربه نیز به دو نفر دیگر زدم. وقتی حامد روی زمین افتاد ما نیز به سرعت از محل متواری شدیم. سرهنگ آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران، با تایید این خبر گفت: «با توجه به اعترافات اولیه متهمان درخصوص ارتکاب جنایت، به دستور مقام قضایی قرار بازداشت موقت برای همسر مقتول و سه متهم دیگر پرونده صادر شده است و متهمان برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته‌اند.»

اتاق را برای او باز کنیم اما شوهرم همچنان اصرار داشت او را رها نمی‌کند.» ماموران با توجه به اعترافات برهان درخصوص تماس وی با دو نفر از دوستانش ضمن شناسایی محل کار آنها در کارگاه سنگبری ساعت یک بامداد دیروز این محل را تحت محاصره درآوردند و در حالی‌که شهرام (۲۱ ساله) و امید (۳۲ ساله) پس از اطلاع از حضور پلیس در محل قصد درگیری و فرار از محل را داشتند، هر دو نفر آنها را با شلیک شش تیر هوایی دستگیر کردند و به پلیس آگاهی انتقال دادند. شهرام در بازجویی‌ها به درگیری خود با مقتول اعتراف کرد و گفت: «حدود ساعت دو بامداد بود که برهان با امید تماس گرفت و گفت او را گروگان گرفته‌اند او از امید خواست تا هرچه سریع‌تر خودش را به منطقه اوشان برساند. امید نیز موضوع را با من در میان گذاشت و هر دو نفر با آژانس، خود را به آدرسی که برهان داده بود، رساندیم. زمانی که به محل رسیدیم حامد همراه چند نفر دیگر مقابل در یک ویلا ایستاده بود. با معرفی خود به عنوان دوستان برهان قصد صحبت کردن با آنها را داشتم.بعد که با لحن توهین آمیزی، به ما جواب دادند. در همین زمان، امید با دو نفر از آنها درگیر شد و من نیز با مقتول درگیر شدم و با چاقو دو ضربه به پهلوی و شکم مقتول و چندضربه نیز به دو نفر دیگر زدم. وقتی حامد روی زمین افتاد ما نیز به سرعت از محل متواری شدیم. سرهنگ آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران، با تایید این خبر گفت: «با توجه به اعترافات اولیه متهمان درخصوص ارتکاب جنایت، به دستور مقام قضایی قرار بازداشت موقت برای همسر مقتول و سه متهم دیگر پرونده صادر شده است و متهمان برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته‌اند.»

خودکشی مقابل دشمن قاضی

دیلی‌هیل: مردی که به اتهام جرایم جنسی علیه نوجوانان تحت محاکمه بود، در جلسه دادگاه اقدام به خودکشی کرد.
بنابر اعلام مقامات ایالت «فلوریدا»، متهم پس از شنیدن حکمش و پیش از آنکه راهی زندان شود، با مصرف چند قرص اقدام به خودکشی کرد. «جیمز ریچارد هریس» به بهانه معرفی کردن قربانیانش به باشگاههای فوتبال، آنان را فریب و مورد تجاوز جنسی قرار می‌داد و از آنان فیلمبرداری می‌کرد. او به ۸۰ سال حبس محکوم شده بود.

نگاه

علل انتقام جویی از دختران جوان

مریم رامشت
روانشناس

■ روز گذشته خبری در صفحه حوادث منتشر شد مبنی بر اینکه مردی در پی خیانت همسر سابقش به قصد انتقام‌گیری از زنان از ۳۰ دختر خواستگاری و بعد از برقراری رابطه با آنها و فیلمبرداری از آنان اخاذی کرده است. شکی در این نیست که این مرد رفتاری مجرمانه انجام داده است اما جرایم او ریشه و دلایل زیادی دارد. افرادی هستند که همسران‌شان به آنها خیانت می‌کنند اما این مجوزی نیست که رفتار مشابه را نشان بدهند. در واقع این متهم برای رفتار خودش دلیل اجتماعی آورده است در حالی‌که اعمال مجرمانه دلیل فردی دارد و نه اجتماعی. در شرایط طبیعی عوارض خیانت همسر، بدبینی و سوءظن و احتیاط بیش از حد است و نه اخاذی از دیگران. فردی که به او خیانت شده دچار وسواس می‌شود اما مرتکب جرم نمی‌شود. شخصی که دست به چنین اعمال مجرمانه‌ای می‌زند به لحاظ شخصیتی مشکل دارد و از دوران کودکی آسیب دیده و احتمالاً پدر و مادر او رابطه خوبی با هم نداشته‌اند و این فرد را در دوران کودکی مورد سوءاستفاده رفتاری و اخاذی قرار داده‌اند. این عمل قبیل از ازدواج متهم اتفاق افتاده و حس انتقام‌گیرانه و پرخشنگاریانه را در این فرد ریشه‌دار کرده و این ریشه‌ها با کاری که همسر کرده تقویت شده است.وقتی فردی عاقل و منطقی دچار حادثه و مشکل می‌شود صورت‌مساله را پاک نمی‌کند بلکه ساختار زندگی خود را تغییر می‌دهد و عواملی را که باعث به وجود آمدن خیانت از سوی همسر شده شناسایی و برطرف می‌کند.متهم مورد بحث عقابث‌اندیشی لازم و توانایی تصمیم‌گیری درست را ندارد و آنچه در زندگی‌اش نقش اصلی را ایفا می‌کند هیجاناتش است و همین باعث به وجود آمدن رفتارهای خطرناک شده. افرادی که مرتکب بزه جنسی می‌شوند دچار اختلالات شخصی و رفتارهای پرخشنگاریانه و حس انتقام‌جویی قوی هستند. این افراد از مشکلات شخصیتی و بحران هویت رنج می‌برند و وقتی مرتکب چنین جرمی می‌شوند قبح ماجرا برایشان از بین می‌رود و تبدیل به یک رفتار عادی می‌شود.

حادثه‌ها

سرق‌ت از راه کانال کولر

■ شرق: اعضای باند سارقان حرف‌ای که با استفاده از کانال کولر، اقدام به سرقت از مغازه‌ها می‌کردند به دام افتادند.
متصدی آرایشگاهی زنانه در ساعات اولیه صبح جمعه نذر ماموران پلیس کرج رفت و خبر داد که ساعتی پیش هنگامی که در آرایشگاه را باز کرده متوجه به سرقت رفتن لوازم و وسایل آرایشگاه به همراه چند حلقه فیلم و عکس خانوادگی شده، این در حالی است که هیچ‌گونه تخریبی در قفسل صورت نگرفته است. ماموران در حال دریافت اظهارات شاکي بودند که صاحب آرایشگاهی مردانه نیز با مراجعه به کلاستر۱ شکایت مشابهی را درخصوص سرقت از محل کارش ارائه داد. ماموران سپس برای بررسی صحنه سرقت به محل مورد نظر رفتند و بنا توجه به اینکه یکی از آرایشگاه‌ها مجهز به دوربین مدار بسته بود با مشاهده فیلم ضبط شده متوجه شدند سارقان از طریق کانال کولر وارد مغازه آرایشگاه شده و پس از سرقت لوازم آن، از آنجایی که هر دو مغازه از طریق کانال کولر با هم در ارتباط بودند سرسرت دوم را هم انجام داده‌اند. ماموران در ادامه با مراجعه به بانک اطلاعاتی سارقان، چهره یکی از متهمان را شناسایی و او را در حالی که سوار بر خودرو پراید مسروقه بود، دستگیر کردند.متهم در بازجویی‌ها سرسرت هر دو آرایشگاه را با همدستی یکی از دوستانش پذیرفت، به این ترتیب متهم دوم نیز دستگیر و معلوم شد آنها با تشکیل باندی به سرقت از مغازه‌ها می‌پرداختند و نقشه سرقت از آرایشگاه‌ها را زمانی طراحی کردند که یکی از سارقان به بهانه فروش لوازم آرایشی وارد آرایشگاه شد و راهماری ورود به مغازه را مورد بررسی قرار داد. سارقان در ادامه اعترافاتشان ادعان داشتند در نیمه‌های شب هنگامی که از طریق کانال کولر وارد آرایشگاه شدند، دیدند از همان کانال کولس به مغازه دیگری راه وجود دارد، بنابراین تصمیم گرفتند لوازم هر دو مغازه را سرتقت کنند.

آتش شارژر در منزل مسکونی

■ شرق: اتصالی شارژر جاور، منزلی را به آتش کشید و خسارات مالی بر جای گذاشت.
رخداد این آتش‌سوزی ساعت ۹:۴۴ صبح دیروز به سامانه ۱۲۵ اطلاع‌رسانی شد و ستاد فرماندهی آتش‌نشانی تهران، امدادگران را به محل آتش‌سوزی در خیابان کلیم کاشانی، کوچه اسفندیاری اعزام کرد. داوود قلی‌زاده، فرمانده آتش‌نشانان اعزامی گفت: این آتش‌سوزی در طبقه سوم ساختمانی چهار طبقه به متراز ۳۸ مترمربع و بر اثر اتصالی دستگاه شارژر جاروی شارژی و مجاورت آن بسا برده رخ داد. وی در ادامه افزود: در این حادثه آتش‌نشانان با قطع جریان برق و گاز واحد با استفاده از خوشم‌کشنده اقدام به مهار آتش‌سوزی کرده و دو حاصه را به وسیله هوش‌کاش آتش‌نشانی مخصوص آتش‌نشانی از این واحد مسکونی و کلیه طبقات ساختمان تخلیه کردند. قلی‌زاده خاطر‌نشان کرد: خوشبختانه این آتش‌سوزی خسارات جانی نداشت و فقط خسارت مالی برای مالک ساختمان بر جای گذاشت.